

Explanation of untimely celibacy of educated men in Bushehr: A qualitative study

Habib Jokar

PhD Student, Department of Counseling, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

Zahra Yousefi*

Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran (Corresponding Author)

Hajar Torkan

Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

Abstract: One of the most important problems among Iranian adults is the delay in marriage among girls and boys. It can cause social harm; therefore the deep identification of its roots can be a facilitator. Therefore, this study aimed to identify the components affecting untimely marriages among single Iranian boys, which was done by guided content analysis the research aims to identify the components of delay in marriage among single and educated Iranian men. In this study, 14 single men aged 30 to 38 years old in the city of Bushehr who was still single were selected and interviewed. The data obtained from the interviews were analyzed by content analysis method, which led to the identification of three pervasive themes, which were: Analysis of the data obtained from the interviews led to the identification of three pervasive themes, which were: having a family regardless of child marriage, having an individualistic personality, and living in a society that encourages celibacy. Based on findings it can be said that in the formation of untimely singleness, three important components of personality, family, and society encourages is necessary. Therefore, its improvement also depends on multidimensional corrections according to the points mentioned. Therefore, it is suggested that using the model extracted from this research, educational packages for preventing untimely celibacy be prepared and presented to young people about to get married.

Keywords: Untimely celibacy, qualitative research, thematic analysis method

* نویسنده مسوول: استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران . پست الکترونیکی: Z.yousefi@khuif.ac.ir_

تبیین تجرد نابهنگام مردان تحصیل کرده در بوشهر: یک مطالعه کیفی

حبیب جوکار

دانشجوی دکتری گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

زهرا یوسفی

استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

هاجر ترکان

استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

چکیده: یکی از مشکلات قابل توجه در بین جوانان ایرانی چه پسر و چه دختر تأخیر در ازدواج است که به نوبه خود منشأ آسیب‌های اجتماعی بسیاری است و باعث نگرانی خانواده‌ها و متولیان امور جوانان شده است. از این رو شناسایی ریشه‌های این مشکل به طور عمیق می‌تواند راهگشا باشد. بنابراین هدف این مطالعه شناسایی مؤلفه‌های موثر بر ازدواج‌های نابهنگام در بین پسران مجرد ایرانی بود که به روش تحلیل محتوای هدایت‌شده انجام شد. در این مطالعه ۱۴ نفر از پسران ۳۰ تا ۳۸ ساله تحصیل کرده و مجرد در شهر بوشهر که هنوز مجرد بودند، به شکل هدفمند انتخاب شدند و در این زمینه مورد مصاحبه قرار گرفتند. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش تحلیل مضمون انجام شد که منجر به شناسایی سه مضمون فراگیر شد که عبارت بودند از: داشتن خانواده بی‌توجه به زوجیت فرزند، داشتن شخصیت فردیت‌طلب و زندگی در جامعه مشوق تجرد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت در شکل‌گیری تجرد نابهنگام سه مؤلفه مهم شخصیت، خانواده و جامعه مشوق تجرد نیاز است؛ بنابراین بهبود آن نیز در گرو اصلاحات چندبعدی با توجه به موارد اشاره است. پیشنهاد می‌شود که با استفاده از الگوی مستخرج از این پژوهش بسته‌های آموزشی پیشگیری از تجرد نابهنگام برای جوانان در شرف ازدواج تهیه و به آنها ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: تجرد نابهنگام، تحقیق کیفی، روش تحلیل مضمون

مقدمه

ازدواج^۱ یک توافق نامه اجتماعی است که بین دو فرد تعریف شده و زندگی آنها را از نظر قانونی، اقتصادی و عاطفی باهم متحد می کند (خجسته مهر و محمدی، ۱۳۹۵). ازدواج نه تنها یک رابطه شخصی نزدیک بلکه یک نهاد اجتماعی است که زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می دهد (عارف و فاطیما، ۲۰۱۵).

آنچه امروزه در میان جوانان به صورت یک چالش اصلی جامعه در زمینه درآمده است، افزایش سن ازدواج جوانان است. جوانان به دلایل مختلف از مبادرت به ازدواج دوری می کنند و پدیده تأخیر سن ازدواج^۲ نه به عنوان یک مسئله و مشکل شخصی بلکه به عنوان یک مسأله اجتماعی نمود پیدا کرده است. افزایش سن ازدواج، به عنوان یک عامل جمعیت شناختی باعث به تعویق افتادن سن فرزندآوری^۳ می شود و بعد خانواده را محدودتر می کند و باعث کاهش رشد جمعیت می شود. نظریه های گوناگونی در زمینه علل تأخیر ازدواج وجود دارد سه نظریه شناخته شده در این زمینه عبارتند از: نظریه تورم رکودی^۴ که بر اساس آن یکی از معضله های عمده کشورهای در حال گذار، تورم، رکود، کاهش تولید، بیکاری، مصرف گرایی و افزایش سطح انتظارات است که بر سن ازدواج جوانان تأثیر منفی داشته و موانع و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی در مسیر ازدواج جوانان به وجود می آورد. نظریه دیگر در این زمینه نظریه انتخاب عقلانی^۵ است این نظریه دال بر این است که انسان موجودی عقلانی است و مدام در حال برآورد کردن هزینه و سود است و چنانچه سود حاصل از عملی بیشتر از هزینه آن باشد، به انجام آن متمایل می شود و چنانچه هزینه عملی بیشتر از سود آن باشد، فرد از انجام آن سر باز زده و آن عمل را به تأخیر می اندازد. به این ترتیب افزایش بیکاری، افزایش تورم، افزایش قیمت اجاره و خرید مسکن و هزینه های هنگفت ازدواج، فرد را به این نتیجه می رسانند که هنوز برای تشکیل خانواده آمادگی کافی ندارد و این امر را باید به چندین سال

آتی موکول کند. نظریه پاداش اجتماعی^۶ نیز به این نکته اشاره دارد که اگر پاداش تجرد در سنین معین بیشتر از پاداش تاهل باشد ازدواج با تأخیر صورت خواهد گرفت. توسعه سیستم آموزشی و افزایش کسب تحصیلات، سبب به وجود آمدن ایده ها و نگرش های جدیدی درباره ی ازدواج شده است و برخورداری از موقعیت اجتماعی بالاتر حاوی پاداش هایی است که باعث می شود فرد تجرد را انتخاب نماید - (مکسلدین، ۲۰۱۶).

بهرحال افزایش سن ازدواج با افزایش ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی^۷ همراه است، اما در عین حال در نتیجه افزایش سن ازدواج فرد فرصت بیشتری برای تحصیل و ارتقاء سطح علمی، کسب مشاغل و درآمد بهتر و به طور کلی رشد اقتصادی اجتماعی بیشتر را دارد (توده فلاح؛ کاظمی پور، ۱۳۸۹). اما در نهایت افراد در زندگی معنوی خود معنای زندگی خانوادگی را کم دارند و به ازدواج به عنوان یک نیاز ضروری انسانی می نگرند (کاوه ای، یوسفی و ترکان، ۱۳۹۹). به هر حال امروزه عواملی همچون میل به ادامه تحصیل، اشتغال دختران، نداشتن شغل مناسب و درآمد کافی پسران، شرایط اقتصادی، نگرش خانواده، بی اعتمادی اجتماعی و روابط آزاد دختر و پسر با افزایش سن ازدواج و پیامدهای ناشی از تأخیر در ازدواج رابطه داشته و بر روی آن تأثیر می گذارد (اکبری، ۱۳۹۳).

لی، کلاین، وهار و همکاران (۲۰۲۱) عوامل به تأخیر انداختن ازدواج در کره را مطالعه کرده و نشان دادند که زنان دارای تحصیلات عالی در مقایسه با زنانی که دارای مدرک دبیرستانی هستند بیشتر ازدواج را به تأخیر می اندازند. مردان تحصیل کرده زودتر از مردانی که تحصیلات کمتری دارند، ازدواج می کنند. رایسا، آزکا، ریمادانتی و دایا (۲۰۱۹) فرآیند تصمیم گیری^۸ و نقش آن را در تأخیر ازدواج در زنان در مرحله اولیه بزرگسالی بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که به تعویق انداختن ازدواج، مربوط به فرآیند اجرایی تصمیم گیری بود که شامل شناسایی مسئله^۹، جستجوی اطلاعات^{۱۰} و تجزیه و تحلیل داده ها^۱، اعمال سیاست گذاری

6. social reward
7. ethical and social anomalies
8. decision making process
9. problem identification
10. information search

1. marriage
2. delayed marriage age
3. fertility
4. stagflation theory
5. rational selection

دخالت در ازدواج و همگونی فرهنگی را در ازدواج به‌هنگام موثر می‌دانند. ایمان زاده، محمدزاده و علیپور (۱۳۹۶) نشان دادند دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز تحصیلات، فرهنگ، فضای مجازی و عواقب و پیامدهای آن، مسائل اقتصادی، باورها و سنت‌های غلط اجتماعی و گسترش فضاهای مجازی در گسترش ازدواج دیرهنگام را به عنوان عوامل موثر مطرح کرده‌اند.

پژوهش‌های چاپ شده نشان می‌دهد که عوامل موثر در ازدواج نابه‌هنگام مردان به عنوان یک عامل مهم در وقوع ازدواج مورد غفلت قرار گرفته است از سوی دیگر مردان جوان متأسفانه به دلایل مختلف از مبادرت به ازدواج دوری می‌کنند و پدیده تأخیر سن ازدواج نه به عنوان یک مسئله و مشکل شخصی بلکه به عنوان یک مسأله اجتماعی به خصوص در بین جوانان تحصیل کرده نمود پیدا کرده است. به نظر می‌رسد هرگونه مداخله اصلاحی نیاز به شناخت بیشتر این پدیده دارد بنابراین یک روش مهم برای کاهش این مشکل شناسایی الگوی حاکم بر ازدواج نابه‌هنگام و ارائه مدلی مبتنی بر آن برای تسهیل ازدواج به‌هنگام است. با توجه به اینکه پژوهش چاپ شده‌ای به علل ازدواج نابه‌هنگام در بین پسران تحصیل کرده نپرداخته است و با توجه به اینکه ارائه یک الگوی کاملاً بومی در این زمینه می‌تواند راهنمای ارزشمندی برای جوانانی باشد که در شرف ازدواج هستند از این رو این پژوهش به این مهم پرداخت و به این سوال پاسخ داد چه عللی باعث می‌شود تا یک مرد جوان مجرد نابه‌هنگام داشته باشد؟

روش

پژوهش حاضر به روش کیفی و با روش تحلیل محتوای هدایت شده^۷ (هیش و شانون^۸، ۲۰۰۵) انجام شد. ماهیت اکتشافی پژوهش بر ادراک مشارکت‌کنندگان (پسران تحصیل کرده و مجرد) و تجاربی که منجر به مجرد نابه‌هنگام آنان شده است، تأکید داشت. بنابراین هدف شناسایی و بررسی عوامل موثر بر تأخیر ازدواج در پسران مجرد تحصیل کرده بود که تاکنون به آنها کمتر توجه شده یا مورد بی-توجهی قرار گرفته بودند، جامعه مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، پسران تحصیل کرده و مجرد شهر بوشهر در طول سال

جایگزین^۲، انتخاب گزینه جایگزین^۳، اجرای تصمیمات^۴، نظارت و ارزیابی نتایج^۵ می‌شد و گرچه تحت تأثیر عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، عوامل شخصی و عوامل روانی بود اما این فرآیند اجرایی در نهایت به تصمیم‌گیری برای ازدواج منجر نمی‌گردید.

بهوانا و روپا (۲۰۱۳) نشان دادند که، جوانان دختر و پسر نسبت به ازدواج نگرش مدرن و مطلوبی داشته و روند ازدواج به سمت ازدواج مدرن^۶ تغییر یافته است. بین نگرش دختران و پسران نسبت به ازدواج تفاوت معناداری وجود نداشت، اما بین نظر دختران و پسران در مورد روابط جنسی، ملاک‌های انتخاب همسر و عوامل مؤثر بر ازدواج موفق تفاوت معناداری وجود داشت. وو (۲۰۰۹) نیز نشان داد که سن ازدواج روند افزایشی داشته و متغیرهایی از قبیل تحصیلات، نوع محل سکونت، ثروت، سن، منطقه و قومیت بر سن ازدواج به شدت تاثیرگذار بوده است. دلاریکا و ایزا (۲۰۰۳) نشان دادند که تغییرات در شرایط زندگی در اثر ازدواج، همچون ناتمام ماندن تحصیلات، تولد فرزند، صرف هزینه‌های مادی برای پرورش کودک موجب کاهش تمایل به باروری شده و در نتیجه موجب به تعویق افتادن ازدواج و تشکیل خانواده شده است.

به‌هرحال ازدواج هم مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای، دارای هنجار خاص آن جامعه می‌باشد. در ایران ازدواج علاوه بر آن که موضوعی فرهنگی، انسانی و اجتماعی است امری مقدس به حساب می‌آید اما ایران به عنوان کشور در حال توسعه، در مرحله گذر از سنت به مدرنیته است که این گذر باعث ایجاد تغییرات وسیعی در همه پدیده‌های اجتماعی به خصوص تأخیر در ازدواج در بین جوانان شده است (کاوه‌ای و یوسفی، ۱۳۹۹). تا کنون در ایران نیز پژوهش‌هایی در زمینه ازدواج و مسائل مرتبط با آن انجام شده است از جمله: زارعان (۱۳۹۷) نشان داد سادگی در ازدواج، قدرت درک متقابل در ازدواج، شجاعت برای اقدام به ازدواج، مهارت اداره زندگی مستقل، حمایت خانواده نه

1. data analysis
2. making policy alternatives
3. selecting an alternative
4. implementing decisions
5. monitoring and evaluating the results
6. modern marriage

7. directed content analysis

8. Hsieh & Shannon

پژوهش از سوالات کاوشگرانه^۷ مانند (می‌توانید در باره این موضوع بیشتر توضیح دهید؟ یا می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان کنید؟) جهت دستیابی به اطلاعات مفیدتر استفاده شد. توالی پرسش‌ها به فرایند مصاحبه و پاسخ هر یک از مشارکت‌کنندگان بستگی داشت و برای همه شرکت‌کنندگان یکسان نبود. مدت مصاحبه در این پژوهش بین ۶۰-۹۰ دقیقه به طول انجامید و زمان و محل مصاحبه از قبل توسط پژوهشگر با توافق مشارکت‌کننده مشخص شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد که روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌ها است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶). در این رویکرد تأکید بر ادراک شرکت‌کنندگان، احساسات و تجربیات آنها از موضوع مورد مطالعه است. مراحل تحلیل مضمون در این پژوهش شامل شش مرحله آشنا شدن با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی مضمون‌ها، مرور و بازبینی مضمون‌ها، تعریف و نامگذاری مضمون‌ها و تهیه گزارش است (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

جهت اعتمادپذیری داده‌ها در این پژوهش از چهار معیار جداگانه گوبا و لینکلن^۸ (۱۹۹۴) شامل ارزیابی مقبولیت^۹، انتقال‌پذیری و تناسب^{۱۰}، تصدیق و تأیید^{۱۱}، و اطمینان و اثبات^{۱۲} استفاده شد (خجسته مهر و محمدی، ۱۳۹۵). برای ارزیابی مقبولیت داده‌ها، پس از تحلیل مصاحبه، محتوای آن به مشارکت‌کننده بازگشت داده شد تا صحت و سقم نتایج تایید شود و تغییرات لازم اعمال شود. برای افزایش انتقال‌پذیری و تناسب، سعی شد که حتی‌الامکان عرصه مطالعه در حیطه گسترده‌ای انتخاب شود و مصاحبه شونده‌گان با در نظر گرفتن تفاوت‌های شغلی، تحصیلی و سنی انتخاب شدند. جهت تصدیق و تأیید یافته‌ها از دو صاحب‌نظر در زمینه پژوهش‌های کیفی و مشاوره ازدواج و مشاوره دارای تجربه کار با جوانان درخواست شد گزارش‌ها و

۹۹-۱۳۹۸ بود. بنابراین با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ از نوع متجانس^۲ شرکت‌کنندگان در پژوهش انتخاب شدند و برای تعیین حجم نمونه از معیار اشباع^۳ داده‌ها استفاده شد بنابراین انتخاب نمونه تا ۱۴ نفر ادامه یافت. در واقع فرایند گزینش نمونه‌ها تا هنگامی ادامه پیدا کرد که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده‌ی جدیدی پدیدار نشد و این اتفاق تا چهارده مصاحبه به وقوع پیوست. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: افراد مجرد علاقه‌مند و متمایل به شرکت داوطلبانه در پژوهش و بیان تجارب، محدوده سنی ۳۰ تا ۳۸ سال.. ملاک‌های خروج از پژوهش عبارت بودند از: تمایل به خروج از روند پژوهش در هر مرحله از فرایند پژوهش. برای دستیابی به اطلاعات دقیق و جامع، عرصه مطالعه در حیطه گسترده‌ای انتخاب شد و مصاحبه شونده‌گان با در نظر گرفتن تفاوت‌های شغلی و سنی در استان بوشهر انتخاب شدند. پژوهشگر بعد از اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و توضیح اهداف پژوهش، به آنها اطمینان داد که اطاعات داده شده از جانب آنها و هویتشان کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند و امانت داری در حفظ مصاحبه رعایت می‌گردد. همچنین به آنها اطمینان داده شد که گفتگوی ضبط شده پس از اتمام کار تحلیل پاک می‌شود. برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته^۴ و سؤال‌های باز پاسخ^۵ همراه با سؤال‌های پیگیرانه^۶ برای تشویق مشارکت-کنندگان برای در اختیار گذاشتن تجارب عمیق بود. برای تدوین سوالات مصاحبه، ادبیات پژوهش مرور گردید و با مشورت اساتید سوالات در قالبی منسجم طراحی گردید. تعدادی از پرسش‌های مصاحبه عبارت بودند از: «لطفاً به صورت دقیق و با جزئیات کامل درباره‌ی چگونگی تأخیر ازدواج‌تان را برایم توضیح بدهید. چطور شد تا این سن هنوز مجرد هستید؟ چه ویژگی‌ها یا مسائلی در خانواده وجود داشت که به تجرد شما کمک کرد؟ تصمیم‌های شغلی و تحصیلی شما چگونه بر ازدواج شما موثر است؟» در طول

7. exploratory questions
8. Guba & Lincoln
9. credibility
10. transferability
11. confirmability
12. dependability

1. purposive sampling
2. homogenous sampling
3. saturation
4. semi-structured interview
5. open-answer questions
6. follow-up questions

دست‌نوشته‌ها را مرور کرده و بر صحت یافته‌ها و نتایج صحه گذاشتند. شرکت‌کنندگان در پژوهش ۳۴/۰۷ و انحراف استاندارد ۱/۹۷ بود. شرکت‌کنندگان دارای تحصیلات در مقاطع مختلف از کاردانی تا دکتری و همچنین در رشته‌های مختلفی درس خوانده و اکثراً شاغل بودند.

جدول ۱

خلاصه از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

کد	سن	تحصیلات	رشته تحصیلی	شغل
۱	۳۳	کارشناسی ارشد	مدیریت	کارمند
۲	۳۷	کارشناسی ارشد	حسابداری	کارمند
۳	۳۴	کارشناسی ارشد	علوم و مهندسی آب	کارمند
۴	۳۲	کارشناسی ارشد	مدیریت	کارمند
۵	۳۷	کاردانی	زبان انگلیسی	عینک‌سازی
۶	۳۴	کارشناسی ارشد	مدیریت	کارمند
۷	۳۶	کارشناسی	هنرهای نمایشی	آزاد
۸	۳۲	دانشجوی دکتری	فناوری اطلاعات مدیریت	مدرس دانشگاه
۹	۳۶	کارشناسی ارشد	فناوری اطلاعات مدیریت	کارمند
۱۰	۳۶	کارشناسی	تربیت بدنی	نظامی
۱۱	۳۳	کارشناسی	مدیریت	کارمند
۱۲	۳۱	کارشناسی ارشد	مهندسی عمران	کارمند
۱۳	۳۳	کارشناسی ارشد	حسابداری	کارمند
۱۴	۳۳	کارشناسی	حقوق	دفتر اسناد رسمی

یافته‌ها

تعریف و نام‌گذاری مقوله‌ها و ۶ آماده‌سازی گزارش. یافته‌ها در کل به این سوال پاسخ داد: چه عللی باعث می‌شود تا یک مرد جوان ازدواج نابه‌هنگام داشته باشد؟ یافته‌ها شامل ۴۵ خرده مضامین، ۹ مضمون سازمان‌دهنده و سه مضمون فراگیر استخراج شد.

به‌طور خلاصه به منظور تحلیل داده‌های گردآوری شده و با توجه به اینکه روش تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیل مضمون بود از روش شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) به شرح زیر استفاده شد: (۱) آشنا شدن با داده‌ها، (۲) تولید کدهای اولیه، (۳) جستجوی مقوله‌ها، (۴) بررسی مقوله‌ها، (۵)

جدول ۲

مضامین اصلی، فرعی و خرده مضامین آشکار شده از تحلیل داده‌ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی	خرده مضامین
بی توجهی خانواده به زوجیت پسر	انرژی‌گذاری خانواده روی موضوعات دیگر	بی توجهی کلی به ازدواج در خانواده، اولویت دادن به ازدواج خواهران، اولویت دادن به درس، اولویت دادن به کار
	شرایط خانوادگی مشوق تجرد	اختلافات برادر با همسرش، وابستگی مادر به پسر، بیش مسئولیت‌خواهی از پسر، دیرازدواجی پسران فامیل، نان‌آور بودن پسر برای خانواده، ایجاد بین بست دوسویه برای ازدواج، داشتن برادر بزرگتر، انفعال خانواده، جدایی پدر و مادر، اختلافات برادر با همسرش
	توجه به حواشی به جای متن	محدودیت سنی ازدواج، محدودیت امکانات، عدم استقلال شغلی
شخصیت فردیت طلب	شخصیت بی میل به آشیانه‌سازی	تصمیم‌گیری سخت‌گیرانه، رشدشغلی، عدم دغدغه برای ازدواج، داشتن طرحواره دیر ازدواجی، داشتن تصویر ذهنی از همسر ایده‌آل، لذت طلبی، عدم واکنش به موقع به مورد دلخواه، باورهای غلط درباره ازدواج، شرمساری، بی میلی به جنس مخالف، ترس از ازدواج، رشد تحصیلی
	اهداف و انتظارات غیرزوجی از زندگی	اهداف تحصیلی، اهداف شغلی، اهداف ورزشی، اهداف مالی
	ارتباطات و انتخاب‌های نامناسب برای ازدواج	ارتباطات غیر صمیمی با والدین، آشنایی با دختران غیر متعهد، داشتن دوستان مجرد، آشنایی با دختران ناهماهنگ با بضاعت مالی پسر
زندگی در جامعه مشوق تجرد	تزلزل اخلاق بین فردی	مشاهده طلاق دیگران، عدم پای‌بندی زنان و مردان به اخلاقیات
	روایت ازدواج حاکم بر جامعه	علم و کار مهمتر از ازدواج، امکانات مهم‌تر از ازدواج، داشتن مسکن ضرورت ازدواج
	نبود تسهیل‌گر ازدواج	فقر در معارفه دختر، تسهیل‌گری ضعیف، نبود راوی قابل اعتماد، نبود راوی

مضمون اول: خانواده بی‌توجه به زوجیت فرزند

در تبیین مضمون فراگیر «خانواده بی‌توجه به زوجیت فرزند» که یکی از مضمون‌های اصلی مستخرج از داده‌ها بود که نشان داد ازدواج پسران برای این خانواده‌ها در مسیر رشد فرزندشان در اولویت نبوده و نیست. این طبقه شامل سه مضمون فرعی انرژی‌گذاری خانواده روی موضوعات دیگر، شرایط خانوادگی مشوق تجرد و توجه به حواشی به جای متن بود.

انرژی‌گذاری خانواده روی موضوعات دیگر یکی از مضمون‌های فرعی بود که توجه افراطی به موضوعات دیگری به غیر ازدواج بود که نشان می‌داد ازدواج در سن مناسب برای خانواده موضوع در اولویت نبوده است. این مضمون فرعی شامل چهار خرده مضامین اولویت دادن به درس، اولویت دادن به ازدواج خواهران، بی‌توجهی کلی به ازدواج پسر و اولویت دادن به کار بود. این مضامین تلویحا نشان می-

دهند که در خانواده‌های این مردان ازدواج پسران خانواده موضوع دلخواه خانواده نیست و مایلند تا امور دیگر در خانواده سازمان‌دهی شود آنان با تاکید بیش از اندازه بر سایر موضوعات زندگی ازدواج پسران را مورد غفلت قرار داده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند: «پدر و مادر بنده که سواد آنچنانی نداشتن و تا نهضت رو بیشترنخواندند ولی خیلی تو درس خوندن همه‌ی بچه‌ها حساس بودن و بنظرم یکی از دغدغه‌های مهم درس خوندن بچه‌ها بود». از سوی دیگر یافته‌ها آشکار کرد که ازدواج خواهران برای والدین مهم‌تر از ازدواج پسران است شاید علت آن را بتوان در این نکته جستجو کرد که پسران در خانواده نان‌آور و دختران به عنوان کسی به حساب می‌آیند که باید هرچه سریع‌تر تحت حمایت مردی قرار بگیرند و مسئولیت‌های خانه‌داری، همسررداری و مادری را بپذیرد و گرنه فرصت‌ها از دست می‌رود اما برای یک پسر این فرصت سوزی رخ نمی‌دهد و چون

خرده مضامین محدودیت سنی ازدواج، محدودیت امکانات، عدم استقلال شغلی بود. این خانواده‌ها در گفتمان خانوادگی زیر بیست و پنج سالگی و بعضاً زیر سی سالگی را برای ازدواج مناسب نمی‌دیدند. از سوی دیگر خانواده‌های این پسران خودشان تاکید داشتند که اول باید مسکن و درآمد مناسبی داشته باشد که این مناسب بودن نیز مشخص و روشن نبود. در عین حال برخی از این پسران به لحاظ شغلی وابسته به خانواده خویش بودند که باعث می‌شد نفوذ خانوادگی در تاخیر ازدواج بیش از پیش شود. یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید «همکار بودن با خواهرم در محل کار سبب شده که من نتوانم پیشرفت واقعی خودم را داشته باشم و همه‌اش به فکر این هستم که سریع‌تر بتوانم مستقل بشوم و کار خودم را داشته باشم. عوامل بالا سبب شده کمتر به فکر زندگی مشترک باشم».

مضمون دوم: شخصیت فردیت طلب

یکی دیگر از مضامین اصلی تجرد نابهنگام، شخصیت فردیت طلب بود که نشان می‌داد این مردان بیش از آنکه بخواهند به زوجیت و زندگی خانوادگی اهمیت بدهند به تجرد و پیشرفت‌های فردی اهمیت داده‌اند در واقع ازدواج برای آنان امری ثانوی بر پیشرفت شغلی و تحصیلی بوده است. همچنین این مردان شخصیتی دارند که در زوجیت چندان اثربخش نیست و از سوی دیگر تعاملاتی که با دیگران رقم می‌زند تعاملات جذب زوجه نیست این طبقه حاوی سه مضمون‌های فرعی که شامل شخصیت بی‌میل به آشیانه‌سازی، اهداف و انتظارات غیر زوجی و ارتباطات و انتخاب‌های نامناسب برای ازدواج بود. شخصیت بی‌میل به آشیانه‌سازی، یک مضمون سازمان‌دهنده بود که نشان می‌داد در آنان میلی برای تشکیل خانواده وجود ندارد که آنان را به رفتار جفت‌یابی وادارد. رفتارهای جفت‌یابی در اکثر این مردان ضعیف بود و از این‌رو آنان به جای رفتارهای جفت‌یابی در کنار رشد مسیر تحصیلی - شغلی تنها به رشد در حیطه شغلی و تحصیلی می‌پرداختند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «نوع تفکری که در واقع از بچگی در ذهن ما بود و قالب فکری خانواده بود این بود که می‌گفتند که ۳۰ سالگی سن خوبی برای ازدواج است من همیشه به بچه‌ها زمانی که دانشجو بودیم می‌پرسیدند نمی‌خواهی ازدواج کنی، می‌گفتم ۱۶/۳۰/۹۶ یعنی ۳۰ سالگی. یک حالت پیش فرض بود همین دلیلی

نان‌آور است در وهله اول باید به حل مسائل خانواده فعلی و گسترش کارش فکر کند یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «خواهرانم را دانشگاه فرستادم، و پشت سر هم در فاصله سه سال بودند. بعد از فارغ التحصیلی ازدواج کردن، جهیزیه هر دوشون را دادم و مادرم قبل از بازنشستگی مریض (سرطان) شد و خرج‌های مادرم هم بود». دیگر مضمون فرعی در طبقه داشتن خانواده بی‌توجه به ازدواج «شرایط و امکانات خانوادگی مردان مجرد» بود که نشان می‌داد بافت خانوادگی به نحوی بود که نمی‌توانسته‌اند ازدواج کنند حتی اگر خواهان ازدواج بودند. این مضمون فرعی شامل خرده مضامین اختلافات برادر با همسرش، وابستگی مادر به پسر، بیش مسئولیت‌خواهی از پسر، دیرازدواجی پسران فامیل، نان‌آور بودن پسر برای خانواده، ایجاد بن بست دوسویه برای ازدواج، داشتن برادر بزرگتر، انفعال خانواده و جدایی پدر و مادر بود که این شرایط هر کدام این پسران را به این نتیجه می‌رساند که ازدواج را در سنین زیر سی سال امری دست‌نیافتنی بدانند. برای مثال یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «از همون موقع مسئولیت خانواده را پذیرفتم. در سن ۱۴ سالگی کارگری را شروع کردم و خرجی خانواده را می‌دادم» یا شرکت‌کننده دیگری می‌گوید: «مادرم برایش مهم‌تر بود که دخترش ازدواج کنند من می‌فهمم نمی‌خواست من زن بگیرم» مشکلات خانوادگی همشیرها نیز توانسته بود آنان را نسبت به ازدواج بدبین نماید یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «بعد از ۳۰ سالگی و ازدواج برادرم شاهد اختلافات زیادی بودم که بین آنها پیش می‌آمد». خانواده‌ها نیز برای ازدواج فرزندشان فعالانه اقدام نمی‌کردند و منفعل بودند و اکثر پسران فامیل دیر ازدواج می‌کردند حتی از پسرانشان می‌خواستند تا در قابل خانواده مسئولیت بیشتری را قبول نمایند. از سوی دیگر این خانواده‌ها گرچه به شکل کلامی از پسران می‌خواستند ازدواج کنند در عین حال نه تنها کمکی نمی‌کردند بلکه مانع‌تراشی نیز داشتند. یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید «خانواده‌ام می‌گویند ازدواج کن اما کسی را هم معرفی نمی‌کنند و یکی دوتا مورد هم که خودم پیدا کردم مخالفت کردند». توجه به حواشی به جای متن یکی از مضمون‌های فرعی در این طبقه بود این بدان معنا بود که خانواده به امکانات ازدواج اعم از موضوعات انسانی و امکاناتی بیش از امر ازدواج بها می‌دادند. این مضمون فرعی شامل

آخرین مضمون فراگیری که از مصاحبه مشارکت-کنندگان استخراج شد، زندگی در جامعه مشوق تجرد بود. این مضمون از علل نشان می‌داد که افراد مجرد در بافتی زندگی می‌کنند که مجرد زندگی کردن راحت‌تر از متاهل شدن، است، همچنین جامعه و عوامل مرتبط به آن به طور ضمنی این پیام را می‌فرستد که «(مجرد بمان)». این طبقه شامل مضمون‌های فرعی تزلزل اخلاق بین فردی، روایت ازدواج حاکم بر جامعه و نبود تسهیل‌گر ازدواج بود. یکی از مضمون‌های فرعی تزلزل اخلاق بین فردی بود که بدان معنا بود که این مردان با دیدن آسیب‌های مانند طلاق یا خیانت زنان، نسبت به ازدواج بدبین شده و آزارندگی تجرد را کمتر از آسیب‌های متاهلی می‌دیدند یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید «به خاطر محیط کاری (کار در محضر) هر روز شاهد طلاق‌هایی بودم که بین جوانان رخ می‌داد. بیشتر اختلافات بین آنها به علت عدم آشنایی از انتظارات یکدیگر و عدم انعطاف‌پذیری در درک متقابل یکدیگر بود». بنابراین رویدادهای مثل طلاق، خیانت و دیگر آسیب‌ها تأثیرات منفی بر روی ازدواج کردن افراد داشت. روایت ازدواج حاکم بر جامعه یکی دیگر از مضمون‌های فرعی در این طبقه بود که نشان می‌داد این مردان ناخواسته تحت تأثیر نیروهای اجتماعی حاکم بر جامعه قرار گرفته‌اند و عواملی از قبیل ادامه تحصیل، یافتن شغل و داشتن امکانات کامل از قبیل خانه، ماشین و سایر موارد باعث تأخیر در ازدواج افراد شده بود. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کرد که «دانشگاه برام مهمتر بود و به همین خاطر بعد از سربازی ادامه تحصیل دادم و بعدش دنبال کار و استخدامی بودم». تسهیل‌گری نامناسب اجتماعی برای ازدواج یکی دیگر از مواردی بود که نشان می‌داد در جامعه مدرن امروزی بعضی از مردان و زنان برای ازدواج همچنان به تسهیل‌گر نیازمندند زیرا برای این افراد پیدا کردن کیس به سختی اتفاق می‌افتد و تسهیلگری ضعیف را به عنوان عاملی در تأخیر در ازدواج می‌دانستند. یکی مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «تنها ضعفی که وجود دارد این است که قدرت والدین و اطرافیانم برای اینکه کیس برایم معرفی کنند که من ازدواج کنم کم است. از مساجد و هیئت‌ها مذهبی هم استفاده کردم ولی معمولاً کارکردی نداشتند».

شد که شاید تا ۳۰ سالگی کیس‌های هم پیدا می‌شد و می‌توانستند کیس‌های ازدواجی باشد چون از قبل ذهن ما آمادگی‌اش را نداشت سعی می‌کردیم که مقاومت کنیم و به سمت ازدواج نرویم و خودمون را نگه داریم». بنابراین تأثیر الگوهای فکری که افراد از خانواده اصلی داشته به عنوان عاملی اثرگذار در تجرد بود. بنابراین عواملی از قبیل عدم دغدغه برای ازدواج، داشتن طرحواره دیرازدواجی^۱، داشتن تصویر ذهنی از همسر ایده‌آل^۲، باورهای غلط^۳ درباره ازدواج، بی‌میلی^۴ به جنس مخالف و ترس از ازدواج در تأخیر در ازدواج افراد نقش موثری داشته است. اهداف و انتظارات غیرزوجی یک عامل دیگر بود که نشان می‌داد این مردان تا سی سالگی به ازدواج نگرشی به عنوان یک مسئله دست دوم داشته‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «دغدغه اصلی همیشه کار و تامین مایحتاج زندگی بود و ازدواج برایم موضوعیت نداشت» بنابراین با توجه به محتوای مصاحبه با این افراد می‌توان استنباط کرد که پسران مجرد اول به دنبال تامین مایحتاج زندگی، یافتن کار و ادامه تحصیل بوده‌اند و این عوامل نقش موثر در تأخیر در ازدواج افراد ایفا کرده است. همچنین ارتباطات و انتخاب‌های نامناسب برای ازدواج یکی دیگر از مضمون‌های فرعی بود، که نشان می‌داد این افراد با افرادی در ارتباطند که در تأخیر ازدواج آنان نقش پررنگی دارند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید «با دختری دوست شدم که بعد از مدتی با پسر دیگری رابطه گرفت و من را رها کرد» همچنین این افراد رابطه صمیمانه‌ای با والدین خود نداشتند در همین رابطه یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «با اینکه خیلی پدر و مادرم را دوست داشتم اما آنقدر صمیمی نبودم که بگویم می‌خواهم ازدواج کنم». بنابراین عدم وجود ارتباط صمیمی بین اعضای خانواده به نحوی که فرزندان در خانواده بتوانند در محیطی گرم و پذیرا در مورد خواسته‌های ازدواج با والدین گفتگو کنند نقش موثری در ازدواج خواهد داشت.

مضمون سوم: زندگی در جامعه مشوق تجرد

1. delayed marriage scheme
2. ideal spouse
3. misconceptions
4. reluctance

بحث

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سوال بود که چه عللی باعث می شود تا یک مرد جوان ازدواج نابهنگام داشته باشد؟ با توجه به اینکه نظریه‌های گوناگونی از قبیل نظریه رکودی، انتخاب عقلانی و پاداش اجتماعی به مسئله ازدواج و علل تاخیر ازدواج پرداخته‌اند ولی هیچ کدام به طور کامل علل تاخیر در ازدواج را شرح نداده‌اند و هر کدام کاستی خاص خودشان داشته‌اند. بنابراین پژوهش حاضر به طور جامع‌تر به مسئله علل تاخیر در ازدواج در بین مردان مجرد پرداخته و به نتایج جامع‌تری دست یافته است. تحلیل محتوای مصاحبه‌شوندگان منجر به شناسایی سه مضمون اصلی (زندگی در جامعه مشوق تجرد، بی توجهی خانواده به زوجیت پسر، شخصیت فردیت طلب) در زمینه شناسایی علل تجرد نابهنگام در بین پسران مجرد شد.

یکی از مشکلات قابل توجه در بین جوانان ایرانی چه پسر و چه دختر تاخیر در ازدواج است که به نوبه خود منشاء آسیب‌های اجتماعی بسیاری است و باعث نگرانی خانواده‌ها و متولیان امور جوانان شده است از این رو شناسایی ریشه‌های این مشکل به طور عمیق می‌تواند راهگشا باشد. آنچه امروزه در میان جوانان به صورت یک چالش اصلی جامعه ایرانی درآمده است، افزایش سن ازدواج جوانان است. راه حل کلیدی ازدواج در بستر خانواده وجود دارد، بنابراین بر اساس یافته‌های این پژوهش داشتن خانواده بی‌توجه به زوجیت فرزند یکی از مضمون‌های اصلی این پژوهش بود که نشان می‌داد خانواده‌های این مردان به زندگی پسران خود به شکل یک فرآیند پیوسته نگاه نکرده‌اند و از این‌رو مسئله ازدواج آنان در دوران رشد آنان مورد بی‌توجهی بوده است. البته لازم به ذکر است گرچه این خانواده‌ها به دلیل شرایطشان صفاتی را در فرزندان خویش پرورش داده‌اند که برای ازدواج نیز نیاز است اما به ازدواج به عنوان رویدادی خطی نگاه کرده‌اند که از زمانی خاص رخ خواهد داد و قبل از آن نیاز به آموزش‌های مستقیم یا غیرمستقیم یا برنامه‌ریزی خاصی برای یافتن کیس مناسب یا آماده‌سازی زمینه ازدواج توسط خودشان یا فرزندشان را ندارند. در واقع مصاحبه‌ها نشان می‌داد که ازدواج پسران برای این خانواده‌ها در اولویت نیست. همچنین انرژی گذاری خانواده روی موضوعات دیگری به غیر ازدواج بود که نشان می‌داد ازدواج در سن مناسب برای خانواده یک

موضوع برخوردار از اولویت نبوده است بلکه بیشتر بر ادامه تحصیل دادن، یافتن شغل و درآمد کافی تاکید داشته‌اند. شرایط و امکانات خانوادگی مردان مجرد طوری بوده که نشان می‌داد بافت خانوادگی به نحوی بود که نمی‌توانسته‌اند ازدواج کنند حتی اگر خواهان ازدواج بودند. در کل عواملی از قبیل وابستگی مادر به پسر، بیش مسئولیت‌خواهی از پسر، دیرازدواجی پسران فامیل، نان‌آور بودن پسر برای خانواده، ایجاد بن بست دوسویه برای ازدواج، و انفعال خانواده موثر بوده است. نهایتاً اینکه اولویت دادن به امکانات بیش از ازدواج به این بدان معنا بود که خانواده به امکانات ازدواج اعم از خطوط قرمز انسانی و امکاناتی بیش از امر ازدواج بها می‌دادند به همین خاطر بر شرایط سنی خاصی برای ازدواج تاکید داشته‌اند و معتقد بوده‌اند تا فرزندان به آن دوره سنی نرسیده باشند آمادگی لازم برای ازدواج را نخواهند داشت. به همین خاطر خانواده تاکید داشته ابتدا فرزندان شرایط مالی و شغلی مناسب را بدست آورده و امکانات لازم برای تشکیل زندگی را داشته باشند بعداً به فکر ازدواج باشند و در کل این نوع طرز فکر برای این افراد نهادینه شده و همین اعتقاد را پیدا کرده بودند. نتیجه پژوهش در این زمینه با نتایج پژوهش‌های گذشته (بهوانا و روپا، ۲۰۱۳؛ وو، ۲۰۰۹؛ اکبری، ۱۳۹۳) همسو می‌باشد. در واقع از این دیدگاه ازدواج در سن مناسب برای خانواده یک موضوع برخوردار از اولویت نبوده است بلکه بیشتر بر ادامه تحصیل دادن، یافتن شغل و درآمد کافی تاکید داشته‌اند که هر کدام از موارد مطرح شده سبب شده که پسران ازدواج خود را به تاخیر انداخته و به دنبال فراهم کردن موارد مطرح شده باشند. همچنین بی توجهی خانواده به مسئله ازدواج با ترغیب کردن فرزندان خود به ازدواج در سن بالا، گذاشتن انرژی خود روی موضوعات غیر از ازدواج پسران و الویت دادن به ازدواج خواهران، اهمیت دادن به رسوم و سنت‌ها در فامیل که سبب شده دیرازدواجی در بین پسران در فامیل به عنوان یک الگو مطرح شود، سبب شده که به عنوان عوامل موثر و تاثیرگذار در تاخیر در ازدواج پسران مطرح باشد. در رابطه با تاثیر گذاری نقش خانواده ویلیام گود بر این باور است که تغییرات ملموسی در نظام خانواده در جهان در حال وقوع است که همه این تغییرات در نقطه مشترکی با هم تلاقی می‌کنند که یکی از عوامل آن افزایش سن ازدواج در بین

ادامه تحصیل را از آنها سلب می‌کند و پسران با چنین نگرشی به ندرت حاضر می‌شوند که در حین درس خواندن برای ازدواج اقدامی انجام دهند. بنابراین از عواملی که می‌تواند سن ازدواج را افزایش داده می‌توان به داشتن تصویر ایده‌آل از همسر، بی‌میل نسبت به جنس مخالف و ترس از ازدواج اشاره کرد. به هر ترتیب افراد قبل از ازدواج تصاویر ذهنی خاصی در مورد همسر بر اساس ملاک‌ها و معیارهایی که دارند در ذهن خود می‌پروراند و داشتن تصویر ذهنی همسر ایده‌آل می‌تواند رویارویی با همسر واقعی را دشوار سازد (ریو، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۳). گرچه تصویر ذهنی از همسر ایده‌آل بر نوع انتخاب افراد اثر می‌گذارد اما به نظر می‌رسد ترس‌های پیش از ازدواج^۱ می‌تواند مانعی بر عملی کردن انتخاب‌ها باشد و حتی سبب تأخیر در امر ازدواج شود. بنابراین به نظر می‌رسد ترس‌های پیش از ازدواج ناشی از درک ناتوانی جوانان برای مدیریت امور زندگی متاهلی و تمایل جوانان به ازدواج‌های تأخیری و دیر هنگام می‌تواند موثر باشد، مسئله‌ای که امروزه گریبان‌گیر بسیاری از جوانان شده و مانع قدم گذاشتن آنها در مسیر ازدواج و تشکیل خانواده گردیده است. کاهش تمایل جوانان به ازدواج آسیبی است که نیاز به فراهم کردن بستر مناسب و ایجاد فضای مناسب روانی و تربیتی برای ازدواج به هنگام دارد.

سومین طبقه شناسایی شده در این زمینه علت یابی تجرد، زندگی در جامعه مشوق تجرد بود که نشان می‌دهد که افراد مجرد در بافتی زندگی می‌کنند که مجرد زندگی کردن راحت‌تر از متاهل شدن، است، همچنین جامعه و عوامل مرتبط به آن به طور ضمنی این پیام را می‌فرستد که ((مجرد بمان)). این مردان با دیدن آسیب‌های مانند طلاق یا خیانت زنان نسبت به ازدواج بدبین شده و آزارندگی تجرد را کمتر از آسیب‌های متاهلی می‌دیدند. همچنین روایات حاکم بر پدیده ازدواج در جامعه نشان می‌داد این مردان ناخواسته تحت تأثیر نیروهای اجتماعی حاکم بر اجتماع قرار گرفته‌اند که سبب تأخیر در تجرد این افراد شده است. محمدی سیف، عارف (۱۳۹۴) در پژوهش خود بر مشکل همسریابی تأکید می‌کنند. تسهیل‌گری نامناسب اجتماعی یکی از دیگر عواملی بود که نشان می‌داد در جامعه مدرن امروزی بعضی از مردان و زنان برای ازدواج همچنان به تسهیل‌گر نیازمندند که در

جوانان می‌باشد (شهرزی، ۱۳۸۶). بنابراین زمانی که پسران مسئله ازدواج کردن به تأخیر می‌اندازند به علت سخت‌گیری بیش اندازه در انتخاب همسر و ریزبین شدن در دارا بودن ملاک‌های مورد نظر همراه با افزایش تعداد ملاک‌ها در انتخاب انجام ازدواج مشکل‌تر می‌شود. بنابراین پدیده تأخیر سن ازدواج نه به عنوان یک مسئله و مشکل شخصی بلکه به عنوان یک مسأله اجتماعی نمود پیدا کرده است (اسکندری چراتی، ۱۳۷۸).

دومین مضمون شناسایی شده در زمینه شناسایی علل تجرد نابهنگام، شخصیت فردیت طلب بود که نشان می‌داد این مردان بیش از آنکه به زوجیت و زندگی خانوادگی اهمیت بدهند به تجرد و پیشرفتهای فردی اهمیت داده‌اند در واقع ازدواج برای آنان امری ثانوی بر پیشرفت شغلی و تحصیلی بوده است. همچنین این مردان شخصیتی دارند که در زوجیت چندان اثربخش نیست و از سوی دیگر تعاملاتی که با دیگران رقم می‌زنند تعاملات جذب زوجه نیست. همچنین برای ازدواج مردان معمولاً در انتخاب زوج پیش دستی می‌کنند و همسر خود را انتخاب می‌نمایند ولی مصاحبه با این مردان نشان داد این صفت در اکثر این مردان ضعیف است و از این‌رو آنان به جای رفتارهای جفت‌یابی در کنار رشد مسیر تحصیلی- شغلی تنها به رشد در حیطه شغلی و تحصیلی می‌پردازند و دارای ویژگی‌های عدم دغدغه برای ازدواج، داشتن طرحواره دیر ازدواجی، داشتن تصویر ذهنی از همسر ایده‌آل، باورهای غلط درباره ازدواج، بی‌میلی به جنس مخالف، ترس از ازدواج بودند. این افراد اهداف و انتظارات غیرزوجی داشته‌اند که نشان می‌داد این مردان تا سی سالگی به ازدواج نگرشی به عنوان یک مسئله دست دوم داشته‌اند. در نهایت این مردان ارتباطات و انتخاب‌های نامناسب برای ازدواج داشته‌اند که نشان می‌داد این افراد با افرادی در ارتباط‌اند که در تأخیر ازدواج آنان نقش پررنگی دارند و نتوانسته‌اند ارتباط موثر و کارآمدی با والدین و اطرافیان خود داشته باشند. نتیجه پژوهش در این زمینه با نتایج پژوهش‌های گذشته (لی و همکاران، ۲۰۲۱؛ وو، ۲۰۰۹؛ ایمان زاده، محمدزاده و علیپور، ۱۳۹۶) همسو می‌باشد. بنابراین می‌توان بیان کرد که یکی از عواملی که سبب تأخیر در ازدواج در بین پسران شده گرایش به ادامه تحصیل می‌باشد زیرا تلقی و برداشت آنها این است که ازدواج فرصت

شخصیت فردیت طلب و زندگی در جامعه مشوق تجرد را در بر می‌گیرد که در راستای علت‌یابی تجرد مطرح شده است و جمع‌بندی آن‌ها می‌تواند در شکل‌گیری یک الگوی جامع سودمند باشد. این نتایج می‌تواند راهنمای ارزشمندی برای جوانانی که در شرف ازدواج هستند، باشد. این پژوهش همچون سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشت از جمله محدود شدن نتایج مستخرج به پسران تحصیل‌کرده که بر همین اساس پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر سایر گروه‌هایی پسران دارای تجرد نابهنگام مورد مطالعه قرار بگیرند. ضمن اینکه به مشاوران و متولیان امور جوانان پیشنهاد می‌شود که با استفاده از الگوی مستخرج از این پژوهش بسته‌های آموزشی پیشگیری از تجرد نابهنگام را برای جوانان در شرف ازدواج تهیه و به آنها ارائه شود.

معرفی کیس به آنها کمک کند که آنها راحت‌تر بتوانند با افراد آشنا شوند و اقدام به ازدواج کنند. بنابراین آسیب‌های اجتماعی در سطح جامعه بر تامل و تاخیر بیشتر در ازدواج تأثیر نهاده و سبب شده پسران در اقدام برای ازدواج محافظه‌کاری بیشتری انجام دهند. بنابراین پدیده تاخیر در ازدواج را جامعه بیشتر ترغیب کرده که چنین نگرشی نسبت به ازدواج سبب می‌گردد پسران ازدواج خود را به تعویق بیندازند، تعویقی که در صورت تداوم آن ممکن است به تجرد دائمی و قطعی فرد منجر شود.

بنابراین نتایج مصاحبه‌ها نشان داد هریک از مشارکت-کنندگان در پژوهش بر نکاتی تأکید دارند که می‌توان این نکات را در یک الگوی یکپارچه ارائه کرد چنین الگوی سه بعد داشتن خانواده بی‌توجه به زوجیت فرزند، داشتن

منابع

منتخب سال ۱۳۸۵. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۸،

۱۳۰-۱۰۵.

خجسته‌مهر، ر، محمدی، ر. (۱۳۹۵). تجربه خوشبختی در

ازدواج‌های پایدار: یک مطالعه کیفی. *روانشناسی خانواده*،

۲، ۷۰-۵۹.

ریو، ج، م. (۱۳۹۳). *انگیزش و هیجان*. ترجمه‌ی یحیی سید

محمدی، چاپ بیست و یکم، تهران: نشر ویرایش.

زارغان، م. (۱۳۹۷). بررسی اکتشافی دلایل تاخیر در سن

ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران. *نشریه*

مطالعات زن و خانواده، ۲، ۱۱۰-۸۹.

شهریزی، ل. (۱۳۸۶). *بررسی پیامد اجتماعی افزایش سن*

ازدواج دختران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.

کاوه‌ای سده، ه، یوسفی، ز، و ترکان، ه. (۱۳۹۹). *شناسایی*

مولفه‌های الگوی مشاور ازدواج خبره محور. *مجله*

روانشناسی کاربردی، زیرچاپ.

ابوترابی، س (۱۳۹۷). *آمار ازدواج و طلاق در سال ۹۶*.

<https://www.seratnews.com>

اسکندری چراتی، آ (۱۳۷۸). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر*

تاخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان.

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، ۳، ۲۵-۱.

اکبری، ا (۱۳۹۳). *تأخیر ازدواج و عوامل اجتماعی مؤثر در*

آن و پیامدهای آن در سال ۱۳۹۳. پایان‌نامه کارشناسی

ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

تهران مرکزی.

ایمان‌زاده، ع، محمدزاده، ص، و علیپور، س. (۱۳۹۶).

تجربیات زیسته دانشجویان تکمیلی دختر دانشگاه تبریز

از ازدواج دیر هنگام. زن در فرهنگ و هنر، ۴، ۵۶۰-۵۴۱.

توده فلاح، م، و کاظم پور، ش. (۱۳۸۹). *با عنوان بررسی*

تأثیر نوسازی بر سن ازدواج با تأکید بر شاخصهای

جمعیت شناختی ازدواج در سطح کشور و ۷ استان

محزون، ع. (۱۳۹۲). *آمار تحلیلی ازدواج و طلاق در کشور*. محمدی سیف، م.، و عارف، م. (۱۳۹۴). *آسیب‌شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸۶، ۸۹-۷۴.

References

- Arif, N., Fatima, I. (2015). Marital Satisfaction in different types of Marriage. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology, 1*, 36-40.
- Bhavana, N., Roop, K.S. (2013). Youth attitude towards marriage and changing trends in marriage. *Index Copernicus Value, 7*, 677-682.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology, 3*, 77-101.
- De la Rica, S., Iza, A. (2003). "Career Planning in Spain: Do Temporary Contracts Delay Marriage and Partnership?" *DFAEII Working Papers 2003-05*, University of the Basque Country - Department of Foundations of Economic Analysis II.
- Fadhillah, R. P., Syahidah, A. Z., Nuringtyas, R., Septianingsih, D. S., (2019). Decision Making to Delay Marriage of Women in Early Adult Phase. *2nd International Seminar on Psychology, 4*, 114- 122.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research, 15*, 1277-1288.
- Kefalas, M. J., Furstenberg, F. F., Carr, P. J., & Napolitano, L. (2011). "Marriage is more than being together": The meaning of marriage for young adults. *Journal of Family Issues, 32*, 845-875.
- Lee, B. S., Klein, J., Wohar, M., & Kim, S. (2021). Factors delaying marriage in Korea: an analysis of the Korean population census data for 1990–2010. *Asian Population Studies, 17*, 71-93.
- McClendon, D. (2016). Religion, marriage markets, and assortative mating in the United States. *Journal of Marriage and Family, 5*, 1399-1421.
- Raissa, P. F., Azka, Z. S., Rimadhanti, N., & Dyah, S. S. (2019, April). Decision Making to Delay Marriage of Women in Early Adult. In proceeding *2nd*

International Seminar on Psychology, 4,
114- 122.

Nam: Patterns and determinants. *Asia-
Pacific Population Journal, 2,* 1-15.

Vu, L. (2009). Age at first marriage in Viet